

نگاهی به یائیه میرفندرسکی^۱

۱. جایگاه فلسفی و آثار میرفندرسکی

حکمای اسلامی رامی توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد: گروه اول، حکمای صاحب مکتب و ارائه‌کنندگان مبانی جدید، یعنی فارابی، ابن‌سینا، شهاب‌الدین سهروردی و صدرالمتألهین. گروه دوم، حکمای مبتکر که اگر چه صاحب مبانی جدید نیستند، اما ابتکاراتی فلسفی از ایشان به یادگار مانده است. تقریری جدید، دلیلی تازه یا مسأله‌ای را به مجموعه علوم عقلی افزوده‌اند. میرداماد، محقق طوسی، قطب‌الدین شیرازی، دوانی و دشتکی از این زمره‌اند. گروه سوم، حکمایی هستند که نه صاحب مکتبند و نه تاریخ فلسفه ابتکاری از ایشان ضبط کرده است، اما در انتقال میراث فلسفی، تربیت شاگردان، حفظ و اشاعه و تشییدار کان تفکر عقلانی سهمی بسزا داشته‌اند. این گروه از دو گروه پیشین فراوانترند.

۱. آینه پژوهش، شماره ۲۸، آذر-دی ۱۳۷۳؛ صفحه ۳-۲۰. این مقاله به مناسبت انتشار کتاب تحفة المراد، شرح قصیده میرفندرسکی، شرح حکیم عباس شریف دارابی به ضمیمه شرح خلخالی و گیلانی، به اهتمام محمدحسین اکبری ساوی (تهران، الزهراء، ۱۳۷۲) تحریر یافته است.

حکیم ابوالقاسم موسوی میرفندرسکی^۱ (۹۷۰ - ۱۰۵۰) عالم پرآوازه قرن یازدهم، از مصادیق بارز گروه سوم حکمای ایران است. وی از بزرگترین علمای عصر صفوی، جامع معقول و منقول، دانشمندی وارسته و زاهد، استاد مسلم حکمت مشائی، صاحب ذوق عرفانی و اشراقی، آشنا با فلسفه و عرفان هند، مرد ریاضت و سفر و صاحب حوزه‌ای پر رونق و با برکت شمرده شده است. از محضر علامه چلبی بیک تبریزی (متخلص به فارق تبریزی) استفاده کرده و از میان شاگردان فراوانش، آقاحسین خوانساری، صاحب شرح الدروس؛ ملا محمد باقر سبزواری، صاحب کفایة الاحکام؛ ملارجعلی تبریزی و میرزا رفیعا نائینی قابل ذکرند. میرفندرسکی در روش فلسفی به ابن سینا اقتدا کرده است و با وجود تولد حکمت متعالیه، دست پروردگانش جملگی مشائی مسلکند و باشفای بوعلی مأنوس. این روش فلسفی، با الهام از مقامات العارفين اشارات و تنبیهات، مانع از گرایشهای عرفانی و ذوق اشراقی وی نیست. به هر حال آرای وی در مباحث نفی تشکیک در ذاتیات، نفی مثل نوریه، حرکت و علم، وی را حکیمی مشائی می‌نمایاند. آثار به جا مانده از میرفندرسکی بسیار اندک است و از این اندک جز اندکی منتشر نشده است. این آثار عبارتند از:

۱- رساله صنایعیه: این رساله مختصر به زبان فارسی در تحقیق حقیقت علوم و بیان وجوه اختلاف صنایع و تشویق به تحصیل علوم و صنایع و تحذیر از صنایع کم فائده و ذکر موضوعات جمیع علوم و صنایع و بیان اشرف آنهاست. این رساله همراه با اخلاق ناصری محقق طوسی در سال ۱۲۶۷ قمری در بمبئی هند و بار دیگر در سال ۱۳۱۷ شمسی در تهران چاپ شده است. ضمناً علی اکبر شهابی نیز در خراسان تصحیحی از این رساله ارائه داده که بی تاریخ است. گزیده‌ای از آن نیز توسط استاد سید جلال الدین آشتیانی در مجلد اول کتاب پیراج منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا عصر

۱. درباره میرفندرسکی بنگرید به: تذکره نصرآبادی، تهران، ۱۳۱۷ ص ۴-۱۵۳؛ طرائق الحقائق، ج ۳ ص ۷۰؛ ریاض العارفين هدايت، تهران، ۱۳۱۶، ص ۲۷۶-۸؛ ریحانة الادب، ج ۳، ۳-۲۳۱؛ آتشکده آذر، ص ۷-۷۹۲؛ روضات الجنات، ج ۲ ص ۶۸ و ۳۵۴، ریاض العلماء، ج ۵ ص ۴۹۹؛ اعیان الشیعة، ج ۲ ص ۴۰۳؛ تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۵، بخش اول، ص ۱۳-۳۱۰؛ منتخباتی از آثار حکمای ایران، ج ۱ ص ۶۹-۹۷.

حاضر ارائه شده است.^۱ (تهران، ۱۳۵۰ ش).

۲- مقوله الحرکه والتحقیق فیها: در این رساله عربی و مختصر، مباحث حرکت به روش مشائی مورد بحث واقع شده و مثل افلاطونی مورد انکار قرار گرفته است. منتخباتی از این رساله همراه با توضیحات استاد آشتیانی در جلد اول منتخبات سابق الذکر منتشر شده است.^۲

۳- شرح کتاب مهابارة: این کتاب منتخبی است از کتاب جوگ باسشت Jog - Ba - sishtth یا (Yoga - Vasishtha) و شرحی فارسی بر آن. جوگ باسشت تفسیری است از عرفان هندی، نوشته آنانان کشمیری، که توسط نظام الدین پانی پتی از سانسکریت به فارسی ترجمه شده. میرفندرسکی از این ترجمه منتخبی ترتیب داد و بر آن منتخب شرحی نگاشت که به شرح جوگ مشهور است.^۳ این رساله تاکنون منتشر نشده است.

۴- جواب از سوالات آقامظفر حسین کاشانی در نفی تشکیک در ذاتیات: میر در این رساله مختصر فارسی، ذاتی را به شیوه مشائی مقول به تشکیک ندانسته است. این رساله همراه با توضیحات استاد آشتیانی در جلد اول منتخبات یاد شده، منتشر شده است.^۴ در الذریعه، تحقیق المزله و تاریخ الصفویه نیز از تألیفات وی ذکر شده است.^۵ اعیان الشیعه علاوه بر موارد یاد شده، رساله فی حقیقه الوجود بالفارسی، رساله فی المقولات العشر، رساله فی ارتباط الحادث بالقدیم و کتاب فی التفسیر را از آثار وی دانسته است.^۶

۲. قصیده یائیه میرفندرسکی

به هر حال مشهورترین اثر میرفندرسکی، قصیده یائیه اوست؛ تا آنجا که گاه او را به عنوان صاحب قصیده ذکر می کنند.^۷ این قصیده شامل ۴۱ بیت و حاوی نکات حکمی

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۶۳-۸۰.

۲. همان، ص ۸۱-۹۰.

۳. تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵، بخش اول، ص ۳۱۱.

۴. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۱، ص ۹۰-۹۷.

۵. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵ و ۲۶۱.

۶. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۳.

۷. تاریخ حکما و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۹.

و عرفانی است. میر این قصیده را به استقبال از قصیده حکیمانه ناصر خسرو قبادیانی سروده است.^۱ مطلع قصیده ابومعین به این قرار است:

چیست این گنبد که گویی پر گهر دریاستی یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی
قصیده میرفندرسکی نیز این گونه آغاز می‌شود:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی
صورت زیرین اگر با نردبان معرفت برود بالا همان با اصل خود یکتاستی

«در این قصیده استعمال یاء در پایان بیتها گاه درست و گاه بیرون از قاعده دستور زبان فارسی است. مثلاً در بیت نخستین از قصیده، میرفندرسکی دستور فصحای فارسی گوی را در این راه به کار نبست، و لیکن در بیت دوم دانسته یا ندانسته قاعده را رعایت کرده، استعمال این یاء، بجز معنی استمرار و مداومت عمل، تنها در جمله‌های شرطی و رجایی و تشبیهی و جواب شرط مجاز است.»^۲

لحن قصیده عرفانی و مشحون از مبانی حکمی است. مباحثی از الهیات بالمعنی الاخص، توحید عرفا، مسأله معاد، مسأله نفس و عقل در ضمن آن مطرح گشته و به تناسب به حکمت عملی و تذکرات اخلاقی نیز پرداخته شده است.

ره نیابد بر دری از آسمان دنیا پرست ورنه بگشایند بروی گرچه درها و استی
هر که فانی شد در او یابد حیات جاودان ورنه به خود افتاد کارش بیشک از موتاستی

قصیده میرفندرسکی با مقام رضا پایان می‌پذیرد:

خواهش اندر جهان هر خواهشی را در پی است خواهشی باید که بعد از وی نباشد خواستی
قصیده یائیه به لحاظ ادبی، شعری متوسط است. به لحاظ عمق معانی حکمی و عرفانی نیز، ژرفای اشعار مولوی و حافظ را ندارد و با گلشن راز شبستری نیز هم‌اوردی نمی‌تواند. اما با این همه از معانی ژرف و افکار عالی و ابیات نغز نیز بی‌بهره نیست.

عقل کشتی، آرزو گرداب و دانش بادبان حق تعالی ساحل و عالم همه دریاستی

۱. دیوان ناصر خسرو، تصحیح سید نصرالله تقوی، تهران، ۱۳۳۹، ص ۴۳۹-۴۴۱.

۲. تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، بخش ۱، ۳۱۲ حاشیه.

قصیده یائیه اگر چه در میان اشعار حکمی عرفانی در ردیف اول قرار ندارد، اما قابل اعتناست و نمونه قابل ارائه تفکر عقلانی قرن یازدهم و جلوه ادبی حوزه عقلی عصر صفوی است.

۳. شرح‌های یائیه میرفندرسکی

بر این قصیده حکمی - عرفانی سه شرح نگاشته شده است که به ترتیب نگارش عبارتند از:

- ۱- شرح ملا محمد صالح خلخالی (۱۰۹۵-۱۱۷۵) از شاگردان میرزای جلوه.
 - ۲- شرح محسن بن محمد گیلانی (تألیف شده در ۱۲۰۷) شاگرد خلخالی یاد شده.
 - ۳- شرح حکیم عباس دارابی (م ۱۳۰۰) از شاگردان حکیم ملاهادی سبزواری.
- هر سه شرح به زبان فارسی است. شرح خلخالی به لحاظ مبنا به طریقه ناظم نزدیکتر است. شرح گیلانی، مختصرترین شروع و به لحاظ مبنا بیشتر به حکمت متعالیه متمایل است^۱ تا به مشی میرفندرسکی. شرح حکیم دارابی به لحاظ حجم، مفصل‌ترین شروع و به لحاظ عمق و دقت، قابل اعتناست. وی این قصیده را بر اساس تعالیم استادش حکیم سبزواری و بر مبنای حکمت متعالیه شرح کرده است. تسلط کامل حکیم دارابی بر ادبیات فارسی از استشهدای بجای وی به گلشن راز، مثنوی مولوی و دیوان حافظ و غیر آن هویدامی شود. استنادهای فراوان وی به کلمات حکما و عرفا، بویژه صدر المتألهین، از امتیازهای این شرح است. او ابیات میرفندرسکی را پس از بیان مقدمات حکمی و عرفانی توضیح می‌دهد. این شرح به مناسبت اینکه کتاب از جانب شارح به رسم تحفه به حسام السلطنة سلطان مراد، والی فارس، تقدیم شده، تحفة المراد نام گرفته است.

صاحب اعیان الشیعه بی آنکه ذکر از دیگر شروع به بیان آورد، شرح خلخالی را احسن شروع قصیده دانسته است.^۲ این ترجیح چه بسا به دلیل هماهنگی مبنای شارح و ناظم باشد. هیچ‌یک از شارحین قصیده از حکمای طراز اول گروه سوم حکما به حساب نمی‌آیند. از سه شرح یاد شده، شرح خلخالی به گزارش الذریعه قبلاً در تهران چاپ شده است.^۳ شرح

۱. مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی بر تحفة المراد.

۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۰۳.

۳. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

دارابی نیز پیشتر با خط و تحشیه فضل الله لایق، در تهران منتشر شده است (۱۳۳۷ ش).
 اخیراً قصیده مشهور میرفندرسکی همراه با سه شرح آن در تهران منتشر شده و به اعتبار اهمیت شرح دارابی این مجموعه تحفة المراد نام گرفته است. شروح خلخالی و گیلانی به عنوان ضمیمه شرح دارابی ارائه شده اند. وی پیشتر رسالة الطیر ابن سیناراهمراه با دو شرح آن تصحیح و به علاقه مندان حکمت و عرفان عرضه کرده بود.^۱ تصحیح و انتشار منقح متون فلسفی بشدت مورد نیاز جامعه علمی کشور است و بی شک اولین قدم در احیای تفکر عقلانی به شمار می آید. گرچه بسیاری از متون اصلی و مهم و حتی آموزش فلسفی هنوز به شکل مصحح و محقق عرضه نگشته اند، با این همه تصحیح قصیده میر و شروح آن اقدامی مغتنم است.^۲

مقدمه مصحح محترم کتاب حاوی شرح حال ناظم و شارحین کتاب و مشخصات نسخ شروح است. نثر مقدمه، نثری پر تکلف و به شیوه متون عصر قاجار نگاشته شده است. تحقیقاً نثر شارحین قصیده از نثر مصحح کتاب ساده تر و خوشخوانتر است. آنچه جایش در مقدمه بشدت خالی است، مقدمه ای تحلیلی و انتقادی بر قصیده یائیه است. مناسب بود مضمون هر بیت قصیده در چند سطر گزارش شود و فراتر از شرح حالنگاری، جایگاه علمی میرفندرسکی، جایگاه این قصیده در میان قصاید حکمی و عرفانی، ارزش

۱. رسالة الطیر، ابن سینا، شارح عمر بن سهلان ساوی، به اهتمام محمد حسین اکبری، تهران، ۱۳۷۰، الزهراء.
 ۲. مصحح محترم، شروح را بر اساس نسخی که در مقدمه توصیف نموده، تصحیح کرده است. شیوه تصحیح گزینشی است و از اشاره به اختلاف نسخ امتناع شده است. شیوه تصحیح در سراسر کتاب یکدست نیست. در حاشیه شرح خلخالی و تا حدودی شرح گیلانی، به تغییر بعضی الفاظ اشاره شده است. در شرح گیلانی گاهی تصحیحات بارمزظ (ظاهر) در متن و نه در پاورقی آورده شده است.
 با توجه به اینکه کتاب مشحون از آیات، روایات، اشعار و اقوال حکما و عرفاست، غیر از استخراج آیات، تحقیقات دیگر موارد، چندان رضایت بخش نیست. مصادر بسیاری از روایات، اشعار و اقوال بدون تحقیق رها شده است. (به عنوان مثال بنگرید به صفحه ۵۶ و ۵۷). بعلاوه بعضی مصادر تعیین شده نیز ناقص و بدون ذکر صفحه ارائه گشته است. (به عنوان مثال ر.ک: ص ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۷۶، ۸۲، ۸۳) بعضی از ارجاعات به منابع دست دوم و نیز متأخر از تألیف کتاب است. (به عنوان مثال صفحه ۱۰۵ به جای ارجاع حدیث به اصول کافی، به سفینه البحار ارجاع داده شده است).
 تحقیقات مصحح محترم در شرح دارابی و گیلانی در پانوشت صفحات و در شرح خلخالی در پایان شرح تحت عنوان ناصواب استندراکات آورده شده است. هر چند توضیحات مصحح به جای پاورقی در متن نیز ارائه گشته است (مثلاً صفحه ۲۱۹، ۲۰۷ و ۲۱۸). در مجموع کتاب حاضر از تصحیح و تحقیق یکنواخت و هماهنگ برخوردار نیست و محتاج ویرایش است.

ادبی قصیده، روش هر یک از شارحین و ویژگیهای هر یک از شروح بتفصیل مورد بررسی و نقد و ارزیابی قرار گیرد. غیر از فهرست مطالب، کتاب فاقد هر گونه فهرست فنی است. وجود فهرستهای آیات، روایات، اشعار، اعلام، کتب منابع و از همه مهم تر فهرست القبایی موضوعات بسیار ضروری است و کار آیی کتاب را چند برابر می کند.